

## بررسی تطبیقی «جامعه ولایی» و «جامعه مدنی غرب»

محمداسماعیل خدادادی\*

یداله جوانی\*\*

محمدحسین محمودآبادی\*\*\*

### چکیده:

در دنیای امروز؛ لیبرال دموکراسی حاکم بر جوامع غربی و تقابل آن با جامعه اسلامی یا جامعه ولایی، مهمترین چالش نظام حکومتی اسلام به شمار می‌رود. در این میان عده‌ای در داخل کشورمان به دنبال تحقق جامعه مدنی در ایران هستند و عده‌ای با آن مخالفند و آن را مخالف و یا متضاد با فرهنگ و ارزش‌های جامعه دینی می‌دانند؛ این تحقیق، با هدف کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های جامعه ولایی و جامعه مدنی غرب، مبانی، اصول و شاخصه‌های اصلی جامعه ولایی (از دیدگاه اندیشمندان مسلمان شیعه) و جامعه مدنی غرب، (از دیدگاه اندیشمندان سیاسی غرب) را بررسی و نتایج زیر را حاصل نموده است: جامعه ولایی از نظر مبانی هیچ توافقی با جامعه مدنی غربی ندارد. در مؤلفه‌ها و ارزش‌ها نیز؛ مفاهیمی مشترک در هر دو جامعه وجود دارد، لکن این مفاهیم، درحد اشتراک لفظی است و از لحاظ محتوایی کاملاً متفاوت می‌باشند. این تفاوت‌ها، ناشی از نگرش هر دو جامعه نسبت به جهان و انسان و مبداء و معاد است.

**کلیدواژه‌ها:** دین، جامعه، ولایت، جامعه ولایی، جامعه مدنی غرب.

---

\* استادیار علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی علیه‌السلام

\*\* دانش آموخته دکتری مدیریت استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی

\*\*\* کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی علیه‌السلام

## ۱. مقدمه:

مفهوم جامعه مدنی قرن هاست که فکر فیلسوفان، سیاستمداران، حقوق دانان و جامعه‌شناسان را به خود مشغول داشته و آنان را به پاسخگویی به سؤال‌هایی از قبیل چگونگی ساختار یک جامعهٔ ایدئال، مشخصات یک جامعه مطلوب و ... فراخوانده است. مکاتب گوناگون بر اساس جهان‌بینی و انسان‌شناسی خاص خود، پاسخی را در این خصوص بیان کرده‌اند. بررسی آرای فلاسفهٔ اسلامی و متفکران غربی نشان می‌دهد که اختلاف‌نظرهایی میان آنها وجود دارد و نظریهٔ واحدی در این خصوص یافت نمی‌شود. دیدگاه برخی از اندیشمندان غربی صرفاً جنبهٔ فلسفی داشته و ساختار اجتماعی ایدئال آنها کاملاً ذهنی و غیرواقعی است مانند «مدینهٔ فاضلهٔ افلاطون». آرای مطرح شده در قرون وسطی مانند «شهر خدای» آگوستین هم بر آموزه‌های مسیحی استوار است. با پایان سلطهٔ کلیسا بر غرب، نظریه‌پردازان آزادی‌خواهی ظهور کردند که اغلب بر انسان‌محوری تکیه داشتند، از جمله: هابز، منتسکیو، ژان ژاک روسو و ... آرای این فیلسوفان نیز اختلاف زیادی با هم دارد. از این رو قبل از هرگونه بحث دربارهٔ جامعه مدنی غربی لازم است مفهوم این واژه در غرب روشن گردد و از میان نظریه‌های متفاوت، نظریه‌ای که بیشتر مورد توافق است مورد توجه قرار گیرد.

از طرفی دیگر جامعه آرمانی اندیشمندان اسلامی شیعی؛ مبتنی بر اصول دین و مذهب شیعه (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) و حاکمیت قانون و مقررات شارع مقدس (خداوند متعال) است.

جامعه مدنی<sup>۱</sup> از مفاهیم مهمی است که طی یک قرن گذشته در محافل علمی و عمومی جامعه ایران نیز مطرح شده است. از نیمه دوم دهه هفتاد برای نخستین بار از مباحثی چون سازگاری جامعه مدنی با دین، نسبت حکومت دینی و جامعه مدنی، رابطه امت و جامعه مدنی، تباین یا عدم تباین الگوی حکومت دینی ولایی و جامعه مدنی سخن به میان آمد، در آن زمان با مطرح شدن مسئله «جامعه مدنی» توسط رئیس‌جمهور وقت، بدون تحدید معنی و مفهوم آن، نوع جامعه (ساختار سیاسی و اجتماعی) بار دیگر مورد بحث و چالش قرار گرفت. از یک سو

<sup>۱</sup>humanism

<sup>۲</sup>civil society

کسانی که برای تأسیس حکومت دینی و اسلامی متحمل رنج‌ها و مرارت‌ها شده بودند و در سال‌های مبارزه با استبداد و دوران دفاع مقدس، با جان و مال از آن حمایت کرده بودند، رواج جریان جامعه‌ی مدنی را با علم به این که ماهیت جامعه مدنی مورد نظر، همان جامعه مدنی غربی با جوهره سکولاریسم<sup>۱</sup> است، انحرافی از مسیر نهضت اسلامی دانسته، آن را جبهه جدیدی از خصومت‌های استکبار جهانی و مخالفان انقلاب اسلامی تلقی نمودند؛ لکن در عین حال، به جامعه مدنی اسلامی با محوریت ولایت تحت عنوان مدینه النبی یا مردم سالاری دینی تأکید داشته‌اند. از سوی دیگر، جریان غرب‌گرا، با آن که به خوبی می‌دانست ماهیت جامعه مدنی مورد نظر و جوهره آن سکولاریسم است، با بهانه حفظ و بقای نهضت اسلامی و جذب بی‌تفاوت‌ها و مخالفان «با این پیش فرض که اندیشه جامعه مدنی با جامعه ولایی؛ قابل جمع است» این نظریه را در فعالیتهای تبلیغاتی خود مطرح نموده و موفق به کسب آرای اکثریت خاموش و جلب مشارکت بسیاری از بی‌تفاوت‌ها و مخالفان شدند. پس از انتخابات سال ۱۳۷۶ و پیروزی طرفداران و مروجان جامعه مدنی، موافقان و مخالفان، درصدد برآمدند تا با ایجاد یک جنبش فرهنگی، تبلیغی، به معرفی و نقد آن بپردازند و به سوالاتی و شبهاتی در خصوص آن از قبیل سوالات ذیل پاسخ دهند:

آیا جامعه مدنی با جامعه اسلامی قابل جمع است؟ آیا با وجود جامعه اسلامی، نیازی به تحقق جامعه مدنی هست؟ اگر جامعه مدنی تفاوت ماهوی با جامعه اسلامی دارد، چرا انقلاب اسلامی که برای تحقق قوانین و ارزش‌های الهی و دینی برپا شده، باید بر اساس جامعه مدنی اداره گردد؟ (خطیبی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین مسائل مطروحه در حال حاضر مسئله اندیشه سیاسی اسلام و نگرش آن به حکومت و سیاست است که در الگوی حکومت اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با این توصیف در چنین شرایطی، پرداختن به مباحث نظری و سخن گفتن از نسبت جامعه مدنی با جامعه ولایی ضرورت پیدا می‌کند. این مقاله در پاسخ به این سؤال که؛ جامعه ولایی و جامعه مدنی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟ با استفاده از روش تحقیق

تحلیلی - نظری، ابتدا مفهوم و مؤلفه‌های جامعه مدنی غرب و جامعه ولایی، را مشخص و سپس به مقایسه دو جامعه مورد نظر پرداخته، تا از این طریق امکان یا عدم امکان تحقق جامعه مدنی غرب در جامعه ولایی مشخص گردد.

## ۲. مفهوم‌شناسی:

**دین:** دین واژه‌ای است عربی که در لغت به معنای اطاعت و جزا و ... آمده، و اصطلاحاً به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید است. دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶).

«دین، عقاید و دستوره‌های عملی و اخلاقی است که پیغمبران از طرف خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۵). «دین به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان، و دستورات عملی متناسب با این عقاید است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۱).

**ولایت:** «ولایت» از «ولی» در لغت به معنای آمدن چیزی در پی چیز دیگر است و در اصطلاح فقها به معنی سرپرستی بر افراد است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۲۲). برای اصطلاح «ولایت» تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. هر یک از این تعاریف، به جنبه‌ای از شئون «ولی» توجه دارد. به‌عنوان نمونه، مرحوم نائینی در تعریف «ولایت» بیان می‌کند که ولایت نوعی ریاست بر مردم در امور دینی و دنیایی، زندگی و آخرت ایشان است (نائینی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۳۳).

ولایت حفظ مردم و رعایت مصلحت آنان در امور دنیا و آخرت و ضرورت جلوگیری از فساد یا افساد آن چیزی است که به مصلحت مردم باشد (بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ج ۳: ۲۲۷). ولایت این است که انسان والی و حاکم بر سرزمینی گردد. در واقع ولایت، مباشرت انسان بر امر دیگران و اقدام نمودن او بر کاری است، به این دلیل که او قادر بوده و تسلط بر امور دارد (تبریزی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۴). برخی دیگر، ولایت را نوعی رهبری ربانی، خالی از وحی تلقی می‌کنند که خداوند متعال برای اداره امور بندگان و بر عهده گرفتن مصالح آنان، بر اساس قانون الهی تا رسیدن به عدالت به برخی از بندگان خویش واگذار نموده است (سلامی، ۱۳۸۵: ۲۶). عده‌ای نیز در تعریف ولایت، به آثار و لوازم آن اشاره داشته و ولایت را به نفوذ عمل (سبزواری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۶)، یا

کسی که محل رجوع رعیت است (حسینی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۶۶). تعریف نموده‌اند. از سوی دیگر، برخی نیز ولایت را سلطنت بر فرد یا اجتماع تصور نموده و ولایت و زعامت را به معنی رهبری اجتماعی سیاسی و دینی برای رفع نیاز اجتماع و دین معرفی نموده‌اند (شحادی، ۲۰۰۱: ۵۵). به نظر می‌رسد، آنچه را که می‌توان به‌عنوان تعریف اصطلاحی «ولایت» بیان کرد، این است که: ولایت، عبارت است از: رهبری و اداره امور دینی و دنیوی مردم بر اساس قوانین الهی برای دستیابی به عدالت و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت که لازمه آن فرمان دادن و فرمان‌پذیری است. ولایت‌مداری انبیا و ائمه اطهار برخوردار از ولایت تکوینی و تشریحی هستند. از این رو، ایشان واسطه فیض الهی در عالم هستند و سامان یافتن امور دنیا و آخرت انسان‌ها، جز از طریق تمسک به ایشان در تمامی امور میسر نخواهد بود. ولی خدا به اذن الهی بر تمامی رخدادهای عالم هستی تسلط داشته و هیچ اتفاقی از نظر ایشان پنهان نخواهد ماند، و جز به اراده او تحولی در عالم رخ نخواهد داد (صفار، ۱۴۰۴: ۴۰۸). به لحاظ تشریحی نیز ولی الهی، قطب (مجلسی، ۱۳۱۵، ج ۳۹: ۳۰۳) و محور (نهج‌البلاغه، خطبه شششنبه) انتظام امور تشریحی عالم بوده و سامان یافتن امور تشریحی عالم، جز از طریق ایشان که مرتبط با وحی و برخوردار از عصمت است، ممکن نخواهد بود (بحرانی، بی‌تا، ج ۱، ۳۱۳ - ۳۱۶).

**ولایت فقیه:** در عصر غیبت امامان معصوم نیز به دلیل استنباط احکام تشریحی از قرآن کریم و بیان و سیره معصومین توسط فقیهان، ایشان محور و مدار امور تشریحی در این دوره به شمار آمده و دارای ولایت تشریحی هستند. از بین فقهای جامع‌الشرایط رهبری، کسی که متصدی امر حکومت گردد، در واقع مدار و محور انتظام امور سیاسی و اجتماعی تلقی خواهد شد؛ بنابراین، ولایت‌مداری، یعنی در حوزه فردی، اجتماعی و سازمانی ولایت، قطب و محور همه اندیشه‌ها، رفتارها، موضع‌گیری‌ها و حرکت‌ها است و تمامی نهادها و سازمان‌های مردمی و حکومتی، مدیران و افراد، خود را با ولی‌امر هماهنگ و همراه سازند (سیدالمرتضی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۰۷).

ولایت‌مداری فرمانی می‌شود که مؤمنان و نهادها در همه ابعاد، نسبت به جانشین خدا و تجلی‌بخش حاکمیت الهی که به‌صورت طولی در عالم اعمال می‌شود، تعبد خردمندانه و تبعیت کامل داشته باشند و به‌حکم همان عقلی که آنها را در برابر خدا تسلیم و متعبد نموده، در

مواضع فکری و اقدامات عملی تابع بی‌چون‌وچرای ولی‌امر بوده و به الزامات آن متعبد و پایبند باشند (حاج صادقی، ۱۳۸۹: ۳۵).

**جامعه:** تاکنون هیچ تعریف واحدی از جامعه ارائه نشده است که پذیرش همگانی یافته باشد. چرا که هریک از سه کاربرد اصلی آن به جنبه‌های مهم حیات اجتماعی اشاره می‌کند:

(الف) جامعه به وسیع‌ترین معنا به کل مناسبات اجتماعی میان آدمیان دلالت دارد.

(ب) هر انبوهه‌ای از آدمیان که در یک گروه بادوام و دارای نهادها و فرهنگ کم‌وبیش اختصاصی خود، گرد هم آمده باشند را «جامعه» گویند.

(ج) جامعه را به‌صورت نهادها، فرهنگ یک گروه جامع و کم‌وبیش مشخص و بادوام، نیز تعریف کرده‌اند. آنچه از مفهوم جامعه، در اینجا اختیار می‌شود، مجموعه‌ای از افراد است که روابط یگانه‌ای آنها را به دور یکدیگر جمع کرده است. به عبارتی دیگر، مجموعه‌ای از افراد که به‌وسیله نظامات، سنن، آداب و قوانین خاص با یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند (علیپور، ۱۳۷۹، ۱۳۷۹: ۴۵).

**جامعه ولایی:** جامعه ولایی جامعه‌ای است که سرپرستی و رهبری خداوند و دین را پذیرفته و با رفتن زیر چتر ولایت در صدد مصونیت بخشی خود از انحرافات و حوادث است. خداوند متعال در آیاتی نظیر آیات ولایت، (مائده: ۵۵)، اکمال، (مائده: ۳) و اولی الامر (نساء: ۵۹) همگان را به پذیرش این مهم ملزم کرده و سامان دین و دنیای مردم را در اطاعت از اولیا و ائمه دین دانسته است. این رهبری و ولایت در عصر غیبت به نواب عام امام زمان علیه السلام واگذار شده است، مراد از جامعه ولایی در این تعریف به معنای جامعه واجد حکومت ولایی نیست، بلکه مراد جامعه‌ای است که در آن غلبه با جمهور اهل ولایت و دیانت است. در چنین جامعه‌ای آحاد مردم به این باور رسیده‌اند که رمز سعادت و خوشبختی آنان، رجوع به دین و نواب امام زمان علیه السلام و کاربست نظری و عملی منویات آنان است. این موضوع از جمله مواردی است که در توفیق شریف حضرت حجت به اسحاق بن یعقوب مورد تأکید قرار گرفته و امام علیه السلام مردم را در حوادث و پیش آمدهای روزگار به راویان حدیث (دانشمندان حدیث‌شناس و دین‌شناس مکتب اهل‌بیت)، ارجاع می‌دهد و آنها را حجت خود بر مردم معرفی می‌کند (صدوق، ۱۴۰۵: ۴۸۴؛ مفید، ۱۴۱۴: ۱۰؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۱ و طبرسی، ۱۳۶۸: ۲۸۳)، بزرگ‌ترین ضعفی که چنین جامعه‌ای

با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، فقدان حکومت ولایی و وجود طاغوت در رأس قدرت است. این ضعف زمانی موجب گزش و تورم بیشتر اذهان می‌شود که بدانیم از منظر قرآن، افراد جامعه‌ای که تحت سیطره و سلطه طاغوت هستند، بردگان و بندگان طاغوت قلمداد می‌شوند. تا زمانی که جامعه ولایی، تنها جامعه ولایی باشد و فاقد حکومت، هیچگاه هژمونی استکبار و موعود ستیز دچار تشویش و اضطراب نمی‌شود؛ چرا که حاکمیت و قدرت ولایت و فقاقت، آنها را تهدید نمی‌کند، بلکه این جامعه ولایی واجد حکومت ولایی است که این هژمونی را به وحشت می‌اندازد و تمامی موجودیت آن را در معرض تهدید قرار می‌دهد (پور رستمی، ۱۳۸۹). منظور از جامعه ولایی این است که مدنیت و تشکیل مجتمع مدنی، پیشینه‌ای دراز در تاریخ زندگی بشر دارد و حضرت رسول ﷺ اولین مجتمع مدنی اسلامی را تشکیل دادند. جامعه ولایی جامعه‌ای است که روح آن دعوت به جامعه دینی واقعی و دعوت به بازیافت عناصر اساسی مدنیت اسلامی است؛ جامعه ولایی، مجموعه‌ای است از افرادی که به دیانتی مقدس ایمان آورده‌اند و دین را به‌عنوان قطب و محور تمام رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی خود قرار داده‌اند. در این جامعه، ارزش‌ها و افکار و دریافت‌ها، از سوی منبعی غیرانسانی (الهی)، به‌قصد تنظیم ساختار نظام انسانی، اجتماعی فرستاده شده، در چنین جامعه‌ای، مردم دغدغه دین را دارند و در هرم این جامعه، ولی خدا حاکم است؛ جامعه دینی، در تعریفی دیگر همان جامعه ولایی است (نوابی، ۱۳۷۷: ۱۴).

**جامعه مدنی:** جامعه مدنی در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی (غیر خصوصی) را در بر می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۲۹).

**جامعه مدنی غربی:** جامعه مدنی یکی از مفاهیم کلیدی اندیشه سیاسی دنیای غرب است (مولانا، ۱۳۸۲: ۶۹). فیلسوفان و نظریه‌پردازان دنیای غرب تعاریف متعدد و اغلب متضادی از جامعه مدنی ارائه کرده‌اند که قدر مشترک آن‌ها، سکولاریسم (جدایی دین از سیاست و دولت)، لیبرالیسم (آزادی بی‌قیدوشرط)، اومانیزم (انسان‌محوری به‌جای خدامحوری)، پلورالیسم (کثرت‌گرایی) است «تاریخ جوامع لیبرالیستی، سرمایه‌داری، کمونیستی و سوسیالیستی نشان داد که این ابعاد با یکدیگر تناقض دارند و این تناقضات بنیاد بحران‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نظام‌های غرب در دهه‌های اخیر شد» (همان: ۷۲)، «مفهوم الگوی جامعه مدنی غرب از

چندین زاویه مهم با باورهای اصلی جامعه اسلامی و نیز چندین اصل اساسی فرهنگ اسلامی از جمله جهان‌بینی توحیدی، به‌هم‌پیوستگی شخصیت و مفهوم و معنی جامعه و دولت مغایرت دارد» (همان: ۷۲).

به طور خلاصه می‌توان گفت که در سنت‌های فکری مختلف، درباره «جامعه مدنی» اختلاف‌نظر وجود داشته است؛ در نتیجه، این مفهوم یک مفهوم چندلایه و پیچیده است. جامعه مدنی افلاطون جامعه طبقاتی و سلسله‌مراتبی بود که حاکمان، فیلسوف و فیلسوفان حاکم‌اند. جامعه مدنی در اندیشه ارسطو تمایزی با دولت نداشت، «جامعه مدنی» از دیدگاه سیسرون جامعه‌ای بود که قانون ناشی از رب‌النوع کبیر در آن حکومت کند. «جامعه مدنی» آگوستین عبارت بود از مشارکت و توافق همه انسان‌ها برای تحقق نظم و رسیدن به آرامش یزدانی و انطباق نظام دولتی با نظام ربانی. آکویناس نیز همانند سیسرون و آگوستین «جامعه مدنی» خود را در قالب جامعه قانونمند اما سازگار با قوانین الهی تعریف می‌کند؛ بنابراین ویژگی اصلی تلقی اندیشمندان ماقبل مدرنیته، (قبل از رنسانس) از «جامعه مدنی»، آن است که آن را مقابل دولت قرار نمی‌دهند؛ بلکه قوام جامعه مدنی به وجود دولت است و دولت جزء اجتناب‌ناپذیر آن است. در دوران مدرنیته و بعد از رنسانس، شاهدیم که جامعه مدنی، اندک‌اندک قلمرویی جدا و مستقل از دولت می‌یابد که تحت‌تأثیر تحولات خاص اجتماعی در اروپا پدید آمد. جامعه مدنی از نظر هابز و لاک و روسو با قرارداد اجتماعی مساوی بود؛ با این تفاوت: هابز به برتری حاکم به‌عنوان عالی‌ترین مقام و دارای قدرت نامحدود توجه داشت و لاک به رضایت و موافقت مردم و حقوق طبیعی آنها و تفکیک قوا و اصالت خرد عنایت بیشتری از خود نشان می‌دهد. جامعه مدنی از دیدگاه هگل عبارت از مفهوم نارسایی از دولت، وجهی از دولت و پیش از دولت است. «جامعه مدنی» از دیدگاه مارکس؛ حوزه روابط مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی و اجتماعی در مقابل دولت، جامعه مدنی در اندیشه سیاسی گرامشی به‌عنوان جزئی از روبنا (نه حوزه روبنا طبق اندیشه مارکس) و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی فکری طبقه حاکم به‌کاررفته است. برخلاف نظر بنیان قرارداد اجتماعی، اقتصاددانان سیاسی کلاسیک جامعه مدنی را یک پدیده ساختگی نمی‌دانستند و معتقد بودند که پیشرفت و تکامل جوامع باعث پیدایش جامعه تجاری می‌شود، و مفهوم جامعه مدنی به معیاری برای ارزیابی عقل، پیشرفت

مادی و پیشرفت اخلاقی جوامع تبدیل شد، از دیدگاه آدام اسمیت؛ سیاست، اصل بنیان‌گذار جامعه قرارداد اجتماعی نیست؛ بلکه این اقتصاد (سیستم نیازها و بازار) است که جامعه مدنی را به وجود می‌آورد. از نظر وی جامعه مدنی مستقل از امر سیاسی (حکومت) و مقدم بر آن است، جامعه مدنی در قرن‌های هیجدهم و نوزدهم، واقعیت فروپاشی ساخت دولت مطلقه و پیدایش دولت لیبرال و حوزه بازار آزاد را منعکس می‌کرد و «جامعه مدنی غرب» امروزه عبارت است از حوزه‌ای از روابط اجتماعی که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی را در بر می‌گیرد، جامعه مدنی در عصر جدید، زاینده سیر مدرنیته و نهضت روشنگری (جدایی دین از سیاست) در دنیای غرب است.

### ۳. یافته‌های تحقیق:

جدول شماره ۱- مؤلفه‌ها و ارزش‌های جامعه مدنی غربی

مبانی و مؤلفه‌های جامعه مدنی غرب							ارزش‌ها
دموکراسی	کثرت‌گرایی	لیبرالیسم	عقل‌گرایی	فردگرایی	سکولاریسم	اومانیسم	
*	*	*	*	*	*	*	لذت‌گرایی
*	*	*	*	*	*	*	اراده
*	*	*	*	*	*	*	اختیار (آزادی)
*	*	*	*	*	*	*	جدایی دین از سیاست
*	*	*	*	*	*	*	مساوات
*	*	*	*	*	*	*	سودگرایی
*	*	*	*	*	*	*	عقلانیت هدفمند
*	*	*	*	*	*	*	کثرت‌گرایی
*	*	*	*	*	*	*	جامعه منشأ قانون
*	*	*	*	*	*	*	برتری عقل بر وحی
*	*	*	*	*	*	*	نسبی‌گرایی
*	*	*	*	*	*	*	قانون‌گرایی
*	*	*	*	*	*	*	مشارکت شهروندان
*	*	*	*	*	*	*	اصالت قرارداد اجتماعی
*	*	*	*	*	*	*	ابزاری بودن دولت
*	*	*	*	*	*	*	دولت حداقل
*	*	*	*	*	*	*	تفکیک قوا

مبانی جامعه مدنی، براین اساس استوار است که جامعه منشأ قانون، و مشروعیت قانون و حکومت و حاکمان، از عقل بشر است و عقل بر همه منابع معرفتی و حتی وحی، برتری دارد. شاهبیت این اندیشه؛ حذف نقش خداوند و دین از حوزه‌های اساسی حیات بشر است؛ لذا نظام

سیاسی لیبرال دموکراسی غرب که زاییده جامعه مدنی غربی و به «اصطلاح» شاهکار مدرنیته است؛ هدف تأمین منافع مادی و دنیوی بشر را باتکیه بر اصالت بشر و عقل او تعقیب می‌کند.

### جدول شماره ۲- مبانی و مؤلفه‌های جامعه ولایی

مبانی جامعه ولایی	مؤلفه‌ها و ارزش‌های جامعه ولایی
توحید	حاکمیت مطلق متعلق به خداست؛ مشروعیت حکومت هر حاکمی، از حاکمیت و ولایت تشریحی الهی سرچشمه می‌گیرد
نبوت	عدالت؛ مبتنی بر شریعت اسلام
معاد	مساوات در حقوق؛ مبتنی بر شریعت اسلام
عدل	آزادی در تمامی حوزه‌های زندگی انسان؛ مبتنی بر شریعت اسلام
امامت	قانون‌گرایی؛ مبتنی بر شریعت اسلام
اخلاق	لزوم حکومت اسلامی
فروع فقهی و احکام	حق‌گرایی
کرامت انسان	التزام به آموزه‌های دینی
	مردم‌گرایی (کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا)
	مشارکت مردم در همه حوزه‌ها
	شورا و مشورت
	تفکیک قوا
	ضابطه‌گرایی به جای رابطه‌گرایی
	شایسته‌سالاری
	ارتقای اخلاقی و معنوی
	ساده‌زیستی و زهد مثبت
	مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری
	تقوا محوری و اخلاق محوری
	امانت‌داری و تکلیف‌گرایی
	نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)
	کفاف و عفاف و فناعت
	ابزاری بودن قدرت برای تأمین سعادت انسان
	امنیت در تمامی حوزه‌ها
	توحید، نبوت و معاد؛ مبانی و منابع قدرت هستند

جامعه ولایی، جامعه آرمانی اسلام شیعی و مبتنی بر اصالت خداوند و قوانین تکوینی و تشریحی اوست، همه احکام و مقررات و روابط انسان‌ها منشأ الهی دارد و هدف آن، سیر الی الله و سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی بشر است؛ بنابراین، مبانی و مؤلفه‌های آن از وحی الهی و شریعت اسلام ناشی می‌شود.

جدول شماره ۳- مقایسه مبانی «جامعه ولایی» و «جامعه مدنی غربی»

مبانی جامعه مدنی غرب		مبانی جامعه ولایی	
خداوند در سرنوشت آدمی هیچ‌گونه نقشی نداشته و خرد انسان برابر با خرد خداوند است، شایستگی افراد انسانی می‌تواند بدون ایمان به خداوند متحقق شود، انسان آزاد و مختار است و سرنوشت خود را بدون هرگونه حصار، می‌سازد.	اواندیسیم	آفریننده، قانون‌گذار، حاکم و ناظر مطلق و بی‌همتا	توحید
دولت حق دخالت در امور دینی و دین، حق دخالت در امور سیاسی را ندارد نقش دین در حد تنظیم رابطه انسان با خداست - منشأ قانون‌گذاری جامعه است، حاکمیت و مشروعیت حکومت از ملت است.	سکولاریسم	حامل وحی الهی، جانشین خدا در مقام تشریح، حاکم اسلامی، هادی انسان به سعادت حقیقی	نبوت
هر فردی یکتا، یگانه و مطلق کامل است، انسان آزاد است، خرد جای وحی را می‌گیرد، مرجعیت متعالی وجود ندارد. فرد، واقعیتی اساسی‌تر از گروه یا جامعه است. زندگی، دارایی فرد است و به خداوند، جامعه یا دولت تعلق ندارد.	فردگرایی	رستاخیز دوباره، هدف‌دار بودن زندگی دنیا به‌عنوان مزرعه آخرت و نیل به سعادت اخروی	معاد
انسان موجودی عاقل و مستقل و در جایگاه انسانی دارای عقلانیت عام و رها شده از تمامی زنجیرهای غیرعقلانی است عقلانیت به معنای برتری خرد انسانی بر تمام منابع معرفتی دیگر، همچون منبع وحی و الهام اشراق است.	عقل‌گرایی	رعایت حدود الهی، نفی ظلم، رعایت حقوق مشروع مردم.	عدل
حاکمیت، حق مردم است، دخالت مستقیم مردم در انتخابات حاکمان سیاسی جامعه برابری حقوقی و سیاسی همه افراد؛ تفکیک قوا؛ حکومت اکثریت؛ وجود تکثر و تنوع در جامعه (پلورالیسم سیاسی، عقیدتی، مذهبی، ارزشی و ...)، مشارکت مستمر جامعه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، امکان تقنین در همه زمینه‌ها به‌موجب رأی مردم و بدون حجیت سنت‌های دیرینه؛ اصالت عقل فرد در صلاح‌اندیشی در باره شیوه زندگی خود؛ مقید بودن حکومت به قانون موضوعه؛ نشئت گرفتن قدرت و قانون از اراده مردم؛ ابزاری بودن دولت؛ نسبت اخلاقی و ارزش‌ها؛ وجود دولت حداقل بدون حق دخالت در حیطه ایدئولوژی، آزادی‌ها و حقوق فردی	دموکراسی	رهبری و هدایت، جانشین پیامبر در تشریح، به اذن خداوند ... تأمین نیازهای مشروع مادی و سعادت اخروی، وسیله کمال انسان	امامت

<p><b>اخلاق</b></p>	<p>نوع دوستی، برادری، احسان، یابوری، احساس تکلیف ... رضایت الهی</p>	<p><b>کثرت‌گرایی</b></p>	<p>هیچ عقیده‌ای دارای رجحان عقلی و برتری برهانی بر عقاید دیگر نیست مگر با محک سود تجربی، این حق وجود ندارد که تصویر خاصی از خیر و سعادت، به‌عنوان نظام اخلاقی و ارزشی برتر و صحیح بر جامعه تحمیل شود.</p>
<p><b>فروع فقهی و احکام</b></p>	<p>نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر ... برای رسیدن به خودسازی و کمال و سعادت دنیوی و اخروی</p>	<p><b>لیبرالیسم</b></p>	<p>عموم مردم می‌توانند راه سعادت و خوشبختی خود را انتخاب کنند و نیازی به وجود سلسله‌مراتبی از روحانیان و غیرروحانیان نیست تا برای مردم تکلیف تعیین کنند. فرد بر جامعه تقدم دارد، هر فردی خود مالک حیات خویش است، آزادی نسبت به برابری و عدالت اجتماعی اولویت دارد. دولت لیبرال حکومت قوانین موضوعه بشری است و نه حکومت قوانین الهی، حکومت مؤسسه‌ای مصنوعی است و مردم آن را برای تأمین نظم و امنیت و تحصیل آسان‌تر حقوق خود ایجاد می‌کنند. دین عقیده‌ای همانند همه عقاید دیگر است که تحمیل می‌شود.</p>
<p><b>کرامت انسان</b></p>	<p>جانشین خدا در روی زمین، اشرف مخلوقات، دارای ارزش‌های والا و آزادی‌های مشروع و...</p>	<p><b>کرامت انسان</b></p>	<p>آزادی مطلق، مستقل، مختار و بی‌نیاز از آموزه‌های دینی در حیات فردی و اجتماعی، متکی به قرارداد اجتماعی برای کسب منفعت و لذت، عاقل و متکی به عقل و بی‌نیاز از وحی، فرد، واقعیتی اساسی‌تر از گروه یا جامعه است، زندگی، دارایی فرد است و به خداوند، جامعه یا دولت تعلق ندارد.</p>

همان گونه که مشاهده می‌کنیم هیچ‌گونه شباهتی در مبانی «جامعه ولایی» و «جامعه مدنی غربی» وجود ندارد، بلکه اختلافات اساسی در این دو حوزه را شاهدیم.

جدول شماره ۴- مقایسه ارزش‌های «جامعه ولایی» و «جامعه مدنی غربی»

ارزش‌های جامعه مدنی غربی		ارزش‌های جامعه ولایی	
حق مردم و متعلق به مردم است	حاکمیت	حاکمیت مطلق متعلق به خداست.	حاکمیت
ابزار تأمین نظم و امنیت و حقوق مردم	حکومت	حکومت، مظهر ولایت تشریحی خداوند است.	حکومت
قرارداد اجتماعی، رضایت و خواست مردم،	مشروعیت	وابسته به ولایت تشریحی الهی است.	مشروعیت
کنترل قدرت دولت	تفکیک قوا	جولوگیری از تداخل وظایف و مسئولیت‌ها، و استبداد و خودرأیی	تفکیک قوا
مطلق و غیرقابل انتقال و تفکیک‌ناپذیر است	قدرت	ابزاری برای تأمین امنیت و سعادت مادی و معنوی	قدرت
عقل خود بنیاد مردم، خواست و رضایت آن‌ها	منابع قدرت	توحید، نبوت و معاد آنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا	منابع قدرت
وسیله رسیدن به آزادی، مساوات	عدالت	عدالت پرچم اسلام و ولایت، و خروج از عدالت، موجب سقوط	عدالت
وسیله رسیدن به آزادی،	مساوات	تساوی حقوق، در چارچوب قانون و شریعت الهی	مساوات
آزادی مطلق، حیوانیت رها شده	آزادی	در تمامی حوزه‌های حیات؛ در چارچوب قانون و شریعت الهی	آزادی
مردم، قرارداد اجتماعی، اطاعت در صورت رضایت	قانون‌گرایی	قانون‌گذار مطلق خداست، اطاعت از قانون الهی و شرعی، واجب	قانون‌گرایی
فردی، اجتماعی و ملی	امنیت	فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ملی	امنیت
نسبی‌گرایی	حق‌گرایی	دفاع از حق و امحای باطل، احترام به حقوق مشروع انسان	حق‌گرایی

مشارکت شهروندان	مردم‌گرایی	کرامت انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا	مردم‌گرایی
اولویت فرد بر جامعه و مصلحت فردی بر مصلحت جامعه	شایسته‌سالاری	انتخاب مسئولین بر اساس: ایمان، تقوا، دانش، تجربه و تخصص	شایسته‌سالاری
اراده فردی، اصالت قرارداد اجتماعی	مشارکت	مشارکت مردم در تمام حوزه‌های حیات	مشارکت
اراده فردی، قرارداد اجتماعی	شورا	احترام به عقل جمعی و بهره‌مندی از آن در تصمیم‌گیری‌ها	شورا
اختیار (آزادی)	مشورت	احترام به نظرات و دیدگاه‌های مردم و بهره‌مندی از آن	مشورت
عقلانیت هدفمند، قرارداد اجتماعی	ضابطه‌گرایی	اجرای قوانین و مقررات بر اساس ضوابط، به‌جای رابطه‌گرایی	ضابطه‌گرایی
تجمل‌گرایی	ساده‌زیستی	زهد مثبت و اجتناب از تجملات و ارتباط برادرانه با مردم	ساده‌زیستی
ابزاری برای کسب حداکثر سود	مسئولیت‌شناسی	مسئولیت به‌عنوان امانت الهی و مردمی	مسئولیت‌شناسی
تلاش برای کسب قدرت	مسئولیت‌پذیری	اجتناب از بی‌تفاوتی و استقبال از مسئولیت به‌عنوان امانت	مسئولیت‌پذیری
دولت حداقل و نظارت در حوزه عمومی	نظارت همگانی	امر به معروف و نهی از منکر در حوزه‌های فردی و اجتماعی	نظارت همگانی
لذت‌گرایی و کسب حداکثر سود	مخالف کفاف	قناعت و پاک‌دستی	کفاف
		عمل به آموزه‌های دینی واجب است	التزام عملی
برتری عقل بر وحی	اصالت وحی	جهت‌دهنده و راهنمای عقل و شئون زندگی بشر	اصالت وحی

خودکفایی و استقلال عقل بشری و برتری آن بر کلیه منابع معرفتی مانند دین و مذهب و ...	اهمیت عقل	رسول باطنی، متکی به وحی	اهمیت عقل
کثرت‌گرایی، تصویر خاصی از خیر و سعادت، به‌عنوان نظام اخلاقی و ارزشی برتر و صحیح نباید بر جامعه تحمیل شود.	نفی وحدت	خدای واحد، حبل‌الله، صراط مستقیم، امت، امت واحده ...	وحدت‌گرایی
جدایی دین از سیاست	رابطه دین و سیاست	عدم جدایی دین از سیاست	رابطه دین و سیاست

در مؤلفه‌ها و ارزش‌های دو جامعه «ولایی» و «مدنی غرب»، شاهد تضادها و اشتراکاتی هستیم، در بخش اشتراکات، فقط اشتراک لفظی دیده می‌شود، درحالی‌که همین اشتراکات، در محتوی کاملاً متفاوت از یکدیگر و یا متضاد هستند.

### نتیجه:

از مجموع مباحث مطرح شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که اندیشه سیاسی جامعه ولایی عبارت از مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای است که در یک سلسله اصول و مبانی مختص به خود؛ در رابطه با سیاست و حکومت شکل می‌گیرد، مبانی اصلی این مجموعه عبارت‌اند از: توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت، ولایت فقیه، شورا، احترام به افکار عمومی، انتقاد خیرخواهانه، نظارت عمومی (امربه معروف و نهی از منکر)، آزادی و استقلال و سیادت اسلام و دولت اسلامی.

۱. در جهان‌بینی اسلامی شیعه، برخلاف نگرش غربی که جهان بر گرد انسان می‌گردد، تمام جهان هستی بر محور خدا انسان معنا می‌دهد. بدین ترتیب توجه به انسان بدون رعایت فلسفه وجودی او که از کانون الله ناشی می‌شود، کاملاً اشتباه است.

۲. جهان‌بینی اسلامی منحصر به دنیا و امور دنیوی نیست؛ بلکه سعادت دنیوی، و غایت آن، آخرت و سعادت اخروی است؛ در این صورت، سیاست اسلامی مستلزم رعایت ارزش‌های فراگیری است که نه دولت و نه ملت می‌توانند تحت عنوان حوزه عمومی (مطرح در جامعه مدنی) آنها را نادیده بگیرند.

دولت به‌عنوان کانون قدرت سیاسی مکلف است تا زمینه مناسب را جهت برقراری هر چه سالم‌تر چهار نوع رابطه «رابطه خالق - مخلوق»، «رابطه معبود - عابد»، «رابطه اخلاقی» و «رابطه قانونی»، در چهار حوزه «اقتصاد»، «سیاست»، «فرهنگ» و «اجتماع» مشخص شده بین انسان و خدا فراهم آورد. به این معنی که دولت باید شرایطی را فراهم آورد تا دنیا، افراد را از توجه به آخرت بازدارند. جامعه مدنی اسلام مبتنی بر فطرت بشر است؛ اما جامعه مدنی مورد ادعای دنیای غرب، مبتنی بر طبیعت بشر است؛ بنابراین جامعه ولایی و جامعه مدنی غرب دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی هستند:

## الف) تفاوت‌های جامعه مدنی غرب و جامعه ولایی:

### ۱. تفاوت در مبانی:

مبانی جامعه مدنی غرب با جامعه ولایی، در شکل و محتوا، تفاوت اساسی دارند: جامعه مدنی غرب، مبتنی بر اومانیزم<sup>۱</sup>، فردگرایی<sup>۲</sup>، عقلانیت ابزاری<sup>۳</sup>، سکولاریسم<sup>۴</sup>، پلورالیسم اخلاقی و سیاسی<sup>۵</sup>، لیبرالیسم<sup>۶</sup> و تجلی آن در نظام لیبرال دموکراسی غرب است و در یک جمله: «اصالت انسان و جامعه منهای خدا و قوانین و مقررات الهی در تکوین و تشریح است»، حال آن که جامعه ولایی، مبتنی بر خدامحوری (توحید نبوت معاد عدل امامت اخلاق فروع فقهی و احکام) و کرامت انسان است.

### ۲. تفاوت در ارزش‌ها:

ارزش‌ها و باورهای هر مکتب و جامعه و انسان‌ها مبتنی بر بنیان‌های اعتقادی است، جامعه مدنی غرب متکی بر انسان و خرد و لذت‌گرایی و رسیدن به حداکثر لذت بدون هیچ‌گونه محدودیت است، حال آنکه جامعه ولایی، متکی به خدا و قوانین تکوینی و تشریحی و هدایت‌های او و رساندن انسان به سعادت دنیوی و اخروی است.

۱ Humanis

۲ individualism

۳ rationality

۴ secularism

۵ pluralism

۶ liberalism

### ب) شباهت‌های جامعه مدنی غرب و جامعه ولایی:

مفاهیمی مانند کرامت انسان، حاکمیت، لزوم حکومت و دولت، مشروعیت، تفکیک قوا، مشارکت شهروندان، قانون‌گرایی، عدالت، آزادی، مساوات، عقلانیت، دموکراسی، وظایف و اختیارات حاکمان، وظایف و اختیارات مردم، در هر دو جامعه «مدنی غرب» و «ولایی» وجود دارد که از لحاظ لفظی؛ مشترک، و از لحاظ محتوایی کاملاً متفاوت و اغلب متضاد هستند. این تفاوت و تضاد، ناشی از نگرش هر دو جامعه نسبت به جهان و انسان و مبدأ و معاد است. بنابراین جامعه ولایی یک جامعه کاملاً متمدن و یک جامعه مدنی است که بر اساس توحید، به دستور خداوند متعال و به دست مبارک رسول گرامی اسلام حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صل الله علیه و آله و سلم بنیان گذاشته شد و با اصل امامت امتداد یافته است، و هیچ‌گونه توافقی با جامعه مدنی غربی که مبتنی بر سکولاریسم و اصالت انسان و عقل او (بر خلاف اصالت خداوند و قوانین الهی) بوده و نظام لیبرال دموکراسی ناشی از آن ندارد؛ لذا تحقق جامعه مدنی غربی در جامعه ولایی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

### فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
- بحر العلوم، محمدتقی بن محمد (۱۴۰۳)، *بلغة الفقیه*، تهران: انتشارات مکتبه الصادق، چاپ چهارم.
- بحرانی، ابن میثم (۱۳۷۰)، *شرح نهج البلاغه*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- بشیری، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، نشر نی، چاپ یازدهم.
- پور رستمی، حامد (۱۳۸۹)، *حکومت ولایی و زمینه‌سازی ظهور*، فصلنامه مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *مروری بر نظریات دین‌شناسی معاصر*، روزنامه کیهان، دوشنبه ۲۵ بهمن، شماره ۱۹۸۶۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، *ولایت‌فقیه*، قم: نشر اسوه.
- حاج صادقی، عبدالله (۱۳۸۹)، *ولایت محوری*، قم: زمزم هدایت.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، *العناوین الفقهیه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

- خطیبی کوشک، محمد (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی جامعه اسلامی و جامعه مدنی، قم: زمزم هدایت.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۳۸۸)، مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم: دار التفسیر.
- سلامی، عباس (۱۳۸۵)، بحوث استدلالیه فی ولایة الفقیه، قم: عرش اندیشه.
- سیدالمرتضی (۱۴۱۰ق)، رسائل الشریف، قم: دارالقرآن الکریم.
- شحادی، عباس احمد (۲۰۰۱م)، الولایة المصطلح و الدلاله، بیروت: دار الاضواء..
- شهیدی تبریزی، میرزا فتاح (۱۳۷۵ق)، هدایه الطالب إلى أسرار المکاسب، قم: دارالکتاب.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محماده، تهران: انتشارات اعلمی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۱)، آموزش عقاید و دستورهایی دینی، تهران: نشر بنیاد.
- علیپور، محمدحسن (۱۳۷۹)، جمهوریت ناتمام، تهران: نشر قطره.
- غروی نائینی، میرزا محمدحسین (۱۳۸۰)، المکاسب و البیع، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۳۱۵ق)، بحار الأنوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، آموزش عقاید، قم: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- مولانا، حمید (۱۳۸۲)، جامعه مدنی، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نوایی، علی اکبر (۱۳۷۷)، مقایسه جامعه مدنی و دینی، قم: اندیشه حوزه.